

آسترا تایلر ترجمه شهاب‌الدین عباسی

فیلسوفان در خیابان

«زندگی بررسی شده»

پرسه و گفت‌وگو با متفکران معاصر

کورنل وست / آویتال رونل / پیتر سینگر / قوام آنتونی آپیا / مارتا نوسباوم
مایکل هارت / اسلاوی ژیزک / جودیت باتلر / سانائورا تایلر



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

فهرست

۱۳.....	پیشگفتار
۲۱.....	کورنل وست: حقیقت
۵۱.....	آویتال رونل: معنی
۹۵.....	پیتر سینگر: اخلاق
۱۲۷.....	قوام آنتونی آپیا: جهان وطنی
۱۶۱.....	مارتاناوسباوم: عدالت
۱۸۳.....	مایکل هارت: انقلاب
۲۰۹.....	اسلاوی ژیزک: محیط زیست
۲۴۷.....	جودیت باتلر و سانائورا تایلر: وابستگی متقابل
۲۸۱.....	تشکر و قدردانی

پیشگفتار

آیا فیلسوفان مرده‌اند؟ چطور می‌توان جلوی چرت زدن حاضران را گرفت وقتی دانشگاهی‌ها در مقابل آن‌ها نزدیک به نود دقیقه همین‌طور راه می‌روند و حرف می‌زنند؟

این‌ها سؤال‌هایی هستند که موقع توصیف زندگی بررسی شده، فیلم مستند همراه این کتاب، اغلب با آن‌ها روبه‌رو شده‌ام. سؤال اول، این نظر شایع در مورد فلسفه را منعکس می‌کند که فلسفه فعالیتی کهنه و از مدافنده است، و این را مفروض می‌گیرد که مستند من ماهیتی تاریخی دارد، یعنی کندوکاوی است دربارهٔ جستجویی عجیب و سنگین که دیگر کسی حوصله و وقتش را ندارد. سؤال دوم همیشه باعث حیرت من شده که چطور ممکن است رشته‌ای که خود را وقف تحقیق دربارهٔ قدرت و حدود مرزهای معرفت انسان کرده و مدام در پی تأمل دربارهٔ پرسش‌های اساسی و لاینحل در قلب وضعیت جمعی مان بوده، مایهٔ خستگی و ملال آدم‌هایی شود که در موارد دیگر، کنجکاو و مشتاق و پر معلومات هستند. دلایل مختلفی برای شهرت نسبتاً رنگ‌باختهٔ فلسفه وجود دارد. فرهنگ رایج ضدروشنفکری ما نقشی قوی در این زمینه بازی می‌کند، برخلاف فرانسه که فیلسوفان در آنجا، در مقایسه، نفوذ فرهنگی و سیاسی بیشتری دارند، و تا اندازه‌ای

سنت بحث و گفتگوهای فلسفی تلویزیونی که چند دهه سابقه دارد هم به این وضعیت کمک کرده است. روی برگرداندن از آموزش آزاد، با تأکیدش بر علوم انسانی، تفکر انتقادی و هنرها، و روی آوردن به رشته‌های بازارپسندتر، بدون تردید به آرمان فلسفه آسیب می‌زند. شک نیست که تخصصی شدن این حوزه و باریک شدن زبان آن هم به این وضع دامن زده است. در این صورت، آیا باید واقعاً مردم را سرزنش کرد که بحث‌های دانشگاهی متداول را کمی رمزآمیز، اگر نگوئیم به کلی غیر قابل فهم، می‌یابند؟ در نتیجه، مردم که روزگاری ممکن بود برای تسلی خاطر به فلسفه روی بیاورند، حالا به خودیاری نظر می‌کنند، و چون در پی شناخت طبیعت انسان یا جهانی که در آن زندگی می‌کنیم می‌روند، نگاه می‌کنند که علم چه می‌گوید. در عین حال، تکنولوژی‌های ارتباطی، ما را در خلسه‌ها و مشقت‌های «اتصال‌پذیری» فراگیر و بی‌وقفه — اگر نگوئیم اغلب کوتاه و گذرا — فرو می‌برند، که حال و حوصله و تاب و توانی برای ژرف‌اندیشی‌ها و گفتگوهای بی‌ظنیری که فلسفه ما را به آن‌ها می‌خواند، باقی نمی‌گذارد.

زندگی بررسی شده تلاش می‌کند این گسست را با استفاده از سینما و هنر ساده‌گفتگو برای مرتبط ساختن فلسفه با تجربه‌های روزمره، مورد توجه قرار دهد. عنوان کتاب اشاره دارد به شعار معروف سقراط که «زندگی بررسی نشده ارزش زیستن ندارد.» چهره سقراط، آن‌طور که افلاطون به تصویر در آورده، نماد زایش فلسفه غرب شده است: طرح پرسش‌های بی‌وقفه راجع به حقیقت و نموده‌ها، سرچشمه‌های آفرینش، معنی خیر، و ماهیت متغیر حکمت همگانی. شعار سقراط، از تناقضی همیشگی خبر می‌دهد که چند تن از فیلسوفان در این کتاب به آن پرداخته‌اند. زندگی بررسی شده در واقع دشوار است. این نوع زندگی، ذهن‌های بسیاری را به تردیدهای سست‌کننده و حتی جنون‌کشانده، و در مورد سقراط و بسیاری کسان دیگر از فرهنگ‌های مختلف، خشم جوامع به‌هراس‌افتاده را برانگیخته است. اما زندگی پرسشگرانه، زندگی‌ای بسیار پرشور و سرزنده، و آمیخته با هیجان‌ها و پاداش‌ها و شجاعت‌های خاص خود است.

زندگی بررسی شده به یک معنای دیگر هم از الگوی سقراط استفاده می‌کند، کسی که به تعبیر سیسرون فلسفه را «از آسمان‌ها به زمین آورد.» او این کار را به این ترتیب انجام می‌داد که در محل‌های تجمع آتنی‌ها پرسه می‌زد و با هر کسی که روبه‌رو می‌شد بحث‌های پر شور و حرارت می‌کرد. او به هیچ مفروض یا اظهار نظر طرف‌های عصبانی گفتگو برای گریختن از موشکافی‌های چُست و چابک‌اش محل نمی‌گذاشت. در طول سده‌های بعدی، این انگیزه پرسه‌زنی و پیاده‌روی به قوت خود باقی ماند، و در رؤیاهای رهگذر تنه‌ای روسو، پیاده‌روی‌های مالیخولیایی کیر کگور، گردش‌های سروقت کانت، و پرسه‌زنی‌های شهری معمایی والتر بنیامین ظاهر شد.

همان‌طور که نیچه در غروب بت‌های نوین می‌نویسد: «زندگی یکجانشینی گناهی نابخشودنی در برابر روح‌القدس است. فقط آن اندیشه‌هایی که به مدد راه رفتن حاصل شده‌اند ارزشی دارند.» اما تفکر فلسفی، آهسته و پیوسته، به طرف داخل خانه‌ها حرکت کرد و راهی کلاس‌های درس دانشگاه‌ها و قفسه‌های کتاب شد. زندگی بررسی شده فلسفه را دوباره بیرون می‌برد و ارتباط طولانی و چشمگیر آن با قدم‌زدن را، با دعوت از هشت اندیشمند برقرار می‌کند تا ایده‌ها و اندیشه‌های خود را در خیابان‌ها و در برابر دوربین، با ما در میان بگذارند.

پیاده‌روی فیلسوف خود به اندازه کافی سراسر است و معنی روشنی دارد، اما از بسیاری جهات دیگر هم اهمیت دارد. و با توجه به سوابق تاریخی آن، با گذشته فلسفه همخوان است. از لحاظ سینمایی، نقش مایه راه رفتن مجال برای حرکت کردن، تکان دادن سر و دست، و تنوع صحنه فراهم می‌کند، مضافاً بر اینکه مرا هم از انجام گفتگوهای نشسته و کسالت‌بار نجات می‌دهد. این هم هست که از لحاظ نمادین، راه رفتن، فلسفه را از برج عاج پایین می‌آورد و آن را به «دنیای واقعی» نزدیک می‌کند. از لحاظ سیاسی و فرهنگی، این گفتگوها در پس‌زمینه فضای عمومی رو به نقصان در جامعه‌ای شکل می‌گیرد که سرعت و کارایی را می‌پرستد و برای تأملات آرام، با مکاشفات غیرقابل پیش‌بینی و مواجهه‌های

اتفاقی آن، ارزش چندانی قائل نمی‌شود. قدم زدن، مایهٔ دلگرمی است. با این حال، همان موقع که این رویکرد پیاده‌روی را طراحی می‌کردم، می‌دانستم که می‌خواهم از آن فاصله بگیرم. به این ترتیب، برای من، سه نوع پرسه و گشت‌و‌گذاری که نهایتاً سایر حالت‌های حمل‌ونقل — یعنی اتومبیل، فایق پارویی، و صندلی چرخ‌دار — را به کار گرفتند، مفهوم اولیه را بسط دادند و آن را به‌روز کردند. این روند را گفتگوی نافذ جویدیت باتلر با خواهرم سانائورا تایلر جلوتر هم برد. این گفتگو، ابتدایی‌ترین درک روزمرهٔ ما را از معنای قدم زدن به چالش می‌کشد.

هنگام برنامه‌ریزی برای زندگی بررسی شده، روی اندیشمندانی تمرکز کردم که در درجهٔ اول دلمشغول مسائل اجتماعی و اخلاقی بودند. تصمیمی که هم علائق شخصی من را منعکس می‌کرد و هم اعتقادم را به اینکه تأمل جدی، یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کنندهٔ هرگونه کوشش برای بهبود بخشیدن به وضع جمعی ماست. در نتیجه، شاخه‌های بسیاری از فلسفه هست که در این کتاب اشاره‌ای به آن‌ها نشده است، از جمله فلسفهٔ زبان، منطق، فلسفهٔ علم، پدیدارشناسی، و فلسفهٔ ذهن. این کتاب مقدمه‌ای جامع بر فلسفه هم نیست. به جای آن، سعی کرده‌ام به حس و حالی از وحدت مضمونی برسیم در عین اینکه نقش اصلی را به تنوع اندیشمندان و دیدگاه‌هایی — از جغرافیاها، فرهنگ‌ها، و سنت‌های فکری گوناگون — دادم که اغلب در کنار هم دیده نمی‌شوند. بنا را بر توازنی کلی میان افرادی گذاشتم که با سنت‌های تحلیلی، پراگماتیستی و فایده‌باورانه همراهی داشتند و آن‌ها که تحت نام «نظریه» درآمدند و در دایرهٔ فلسفهٔ قاره‌ای، روانکاوی، پژوهش‌های غیرعادی، پسامارکسیسم و ساخت‌گشایی جای گرفتند. کسانی که برای این پروژه از آن‌ها دعوت کردم، شخصیت‌هایی‌اند که بر تفکرم در طول سال‌ها اثر گذاشته‌اند. مطمئنم اگر کارشان موفق شده اثری ماندگار بر من داشته باشد، بر بینندگان مستند و خوانندگان کتاب هم چنین اثری بگذارد. دوازده ساله بودم که کتاب آزاد کردن حیوانات پیترو سینگر را خواندم. این کتاب چارچوب اخلاقی نویی برای فهم گیاه‌خواری به من داد. در نوجوانی وقتی با این